



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند هستی بخش مهربان

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱)

وای بر هر کسی که بسیار عیبجویی کرده، طعنه می زند.

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲)

آن کسی که مال را گرد می آورد و می شمارد.

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)

او می پندارد که مالش او را جاودانه می کند.

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴)

نه هرگز، این چنین نیست، قطعاً در [حطمه] آتش شکننده انداخته می شود.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵)

و تو چه می دانی [حطمه] آتش شکننده چیست؟

نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ (۶)

آتش خداست که شعله ور است.

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷)

همان آتشی که قلب ها را می سوزاند.

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (۸)

همانا که این آتش دربرگیرنده است.

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

و در ستون های کشیده شده.

* چند تمرین از سوره مبارکه همزه با روش های کتب دیگر تدبر:

انجام این تمرین ها با روش های دیگر کتب برای این است که در کتاب مقدمات تدبر، نسبت به کتب دیگر افق سازی شود:

+ تمرین از کتاب تدبر سوره ای: (جلد ۴ از کتب تدبر)

دسته بندی سوره:

یک نمونه:

۱- معرفی انسان همز و لمز کننده

۲- بیان عذاب این فرد

دسته‌بندی سوره بر اساس ساختار وجودی انسان (علم و عمل و نتایج‌اش):

۱- عمل: همز و لمز + جمع مال + شمارش آن

۲- باور: جاودانگی به واسطه مال

عدم شکسته شدن

۳- نتیجه: نار خدا

نوشتن قانون از سوره:

۱- جمع مال و شمارش آن ← همز لمز

نتایج و بروز

۲- مال موجب جاودانگی نمی‌شود.

جمع مال ← همز و لمز ← عاقبتش: خرد شدن / لطمه
محرومیت

- به دیدن منظرهای مختلف، «تدبر» گویند.

- دیدن ارتباطها، «تفکر» در سوره است.

+ تمرین از کتاب تدبر کلمه‌ای: (جلد ۳ از کتب تدبر)

معنای واژه‌ها:

✓ همز - حطمه: چیزی را از شکستن / خرد کردن و شکستن

✓ جمع - موصده - ممدده: زیاد شدن و دربرگرفتن

✓ جمع - موقده: شعله‌ور شدن و زیاد شدن

✓ خلود - ممدده: ماندگاری

✓ همز - نبذ: پرت کردن و دور انداختن

- آنچه که در واژه‌های سوره عمدتاً مشترک است:

✓ زیادی و زیاد شدن / دربرگرفتن

✓ شکستن و خرد شدن / دور انداختن

✓ ماندگاری

- در مرحله بعدی باز هم اینها را مشترک می‌کنیم تا اینکه آخر سر به این مطلب می‌رسیم:

* معنای مشترک واژگان سوره: یک جور دربرگرفتن و احساس ماندگاری که به فرد اجازه خرد کردن دیگران را می‌دهد، در مقابل دربرگرفتن و احاطه عذاب خدا بر همان فرد که موجب خرد شدن او می‌شود.

- حال می توان حول این معنای مشترک، واژه‌های سوره را چید. یعنی:

این آدم به خاطر «جمع مال» و «عَدَدَ کردن مال» احساس ماندگاری کرده است. چون در خودِ مال احساس خلود دارد. و این موجب می شود که دیگران را خرد کند یعنی همز و لمز کند. درحالی که عذاب خدا «احاطه» دارد به خاطر «موصده» و «ممدده» بودنش، برای همین فرد را «حطمه» می کند.

- این جمله به شدت ما را به غرض سوره نزدیک می کند.

- چون معنای مشترک بین واژه‌ها پیدا کردیم، لذا می توانیم همهٔ واژه‌ها را دور آن بچینیم.

+ تمرین برای حفظ تدبیر محور سورهٔ مبارکه همزه:

- هرکس سعی کند بدون اینکه به جزوه و یا قرآن نگاه کند سوره را از حفظ بنویسد و اگر آیه‌ای را نمی تواند بنویسد معنایش و یا مفهومی از آن را بنویسد. (به این روش نوشتن سوره از حفظ که در اثر تدبیر بسیار روی سوره انجام می شود، «حفظ تدبیر محور» گویند). این نوع حفظ کردن کاملاً کاربردی است.

- این نوع حفظ کردن فوق العاده است و اصلاً قابل مقایسه با حفظ به وسیلهٔ تکرار نیست. ماندگاری در این نوع بسیار زیاد است.

+ تمرین از کتاب تفکر: (جلد ۲ از کتب تدبیر)

نوشتن گزاره‌های تفکری از آیه «ویل لکل همزه لمزه»:

- ✓ همز و لمز چیز بدی است.
- ✓ همز کننده و لمز کننده مورد نفرین خدا هستند.
- ✓ نفس همز و لمز بد است و کاری ندارد به فردی که همز و لمز می شود.
- ✓ اثر مخرب لمز بیشتر از همز است.
- ✓ حتی همز و لمز کردن دشمن خدا هم، کار بدی است.
- ✓ همز و لمز کردن، خشم خدا را برمی انگیزد.
- ✓ حتی اگر به حق هم همز و لمز کند وای بر او.
- ✓ انسان اگر خودش را هم همز و لمز کند بد است.
- ✓ همز و لمز کردن اثر درونی روی خود فرد می گذارد.
- ✓ همز و لمز کننده دنبال عیب می گردد.
- ✓ همز و لمز صفت فرد شده است.
- ✓ همز و لمز کردن آثار سوء اجتماعی دارد.
- ✓ همز و لمز کردن اعتبار اجتماعی فرد را از بین می برد.
- ✓ تخریب لمز بیشتر از همز است.
- ✓ ویل نشان می دهد، همز و لمز کار بدی است و انسان را به هلاکت نزدیک می کند.
- ✓ همز و لمز می تواند بر اساس عیب‌هایی باشد که فرد دارد یا ندارد.

- نکته: تفاوت همز و لمز با امر به معروف و نهی از منکر:

❖ همز و لمز: عیب‌جویی حتماً با تحقیر همراه است.

❖ نهی از منکر: نهی از رفتار فرد انجام می‌شود و کاری به شخصیت فرد ندارد.

- نکته: در امر به معروف سعی می‌کنیم شخصیت را از رفتار جدا کنیم و سپس از فرد می‌خواهیم که رفتارش را اصلاح کند. البته نحوه گفتن، مهارت‌های بسیاری لازم دارد.

✚ توضیح درباره آیات «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ» (۲) / «يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ» (۳):

- یعنی هرکسی که مال جمع می‌کند و می‌شمارد، می‌پندارد که این مالش او را خالد می‌کند.

- مال: آنچه انسان نسبت به آن تمایل دارد و تحت مالکیت قرار می‌گیرد. مثلاً علم، مال نیست زیرا نمی‌توان آن را از فرد جدا کرد ولی پول، امکانات، موقعیت‌های اجتماعی و ... مال هستند. «مال» را می‌توان منتقل کرد و از کسی گرفت و به کسی دیگر داد. «فرزند» جزء مال محسوب نمی‌شود اما همسر اعم از مرد و زن، جزء مال محسوب می‌شوند چون می‌توان با یک عقد آن را جابه‌جا کرد.

- شمارش مال: توجه به خود مال، نه لزوماً استفاده از آن و کارکرد آن.

- تلاش در جهت افزودن مال بدون توجه به کارایی و استفاده از آن (آیه ۲)

- انسان تمایل به خلود و جاودانگی دارد. (آیه ۳)

- انسان می‌تواند اسباب و راه رسیدن به خلود را اشتباه بگیرد. (آیه ۳)

- آنچه را به آن تمایل دارد و تحت مالکیت قرار می‌گیرد سبب خلود در نظر می‌گیرد. (آیه ۳)

- یعنی به واسطه داشتن مال حس خالد شدن / ثابت بودن / حس عدم تغییر وضعیت / اطمینان به ثبت / اطمینان به حفظ شرایط موجود در خلود هست. («مال» قدرت همراه با لذت به انسان می‌دهد) (آیه ۳)

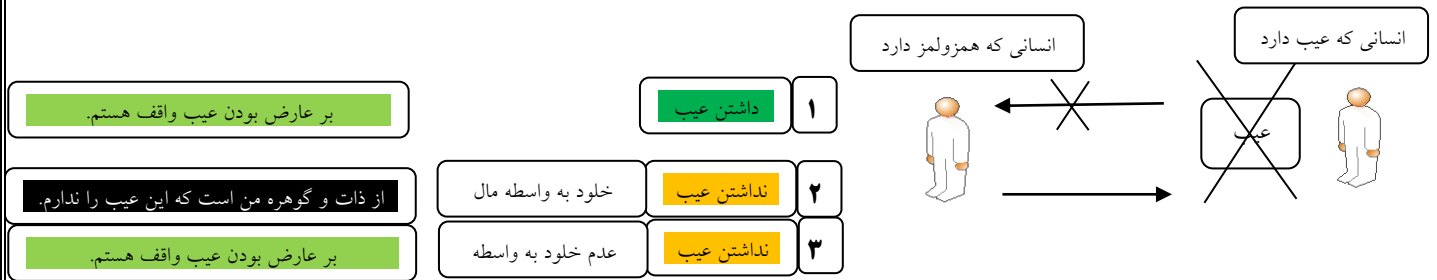
- انسان مورد نظر در آیه ۳، می‌تواند فقیر باشد یا غنی.

- همز و لمز کننده در یک قدرت و موقعیت قرار می‌گیرد. در یک موقعیت توانمندی قرار می‌گیرد. در یک موقعیت اجتماعی و اعتبار قرار می‌گیرد.

- همز و لمز عیب‌جویی‌ای است که از حس بالا به پایین به وجود می‌آید. مثال: هیچ‌گاه کسی که معتاد بوده و ترک کرده است وقتی می‌خواهد معتادی را نهی کند، از بالا برخورد نمی‌کند و حتی دعوا کردنش هم از روی دلسوزی است اما کسی که خودش معتاد نبوده اگر در فرد معتاد احساس بی‌عرضگی و بدبختی و ... کند او احساس خلود در حالت عدم اعتیادش دارد.

- جاودانگی در اینجا معنای «اطمینان در حفظ شرایط موجود» دارد.

- امام رضا (ع): اگر کسی وارد مجلسی شد و احساس کرد از کسی در مجلس بالاتر است جایش ته جهنم است.



- خوبی‌ها و بدی‌ها در همهٔ انسان‌ها عارضی هستند نه ذاتی. حتی همهٔ خوبی‌های اهل بیت و انبیاء عارضی هستند و از ذات آنها نیست. لذا آنها هیچ‌گاه کمالاتشان را از خودشان نمی‌دانند و همه را از لطف و محبت خدا می‌دانند و از خدا هیچ‌گاه طلب‌کار نیستند.

- ما حق نداریم حتی دشمنانمان را همز و لمز کنیم. یعنی حتی کسی مانند شمر را نیز حق نداریم همز و لمز کنیم و بدی‌های شمر را هم عارضی می‌دانیم و باید هنگام لعن کردن این مطلب را فراموش نکنیم. باید لباس بدی را از ذات شمر جدا کنیم. اگر شمر در آخرین لحظه نزد امام حسین (ع) توبه می‌کرد، امام بلاشک او را می‌بخشید. او اگر لباس بد بودن را از تنش درمی‌آورد امام حاضر بودند مانند یک برادر به او نگاه کنند و او را ببخشند و این یعنی یک آدم تا چه اندازه می‌تواند برای صفات خیر خلود قائل نباشد.

- «همز و لمز نکردن» یعنی به دیگران اتیکت زدن یعنی در آن فرد خلود در عیب ایجاد می‌کنیم که اگر هم بخواهد نتواند از آن عیب جدا شود.

- گروهی که متأسفانه اتیکت زدن در آنها زیاد دیده می‌شود و حرفه‌ای این کار را انجام می‌دهند، عده‌ای از مادرها هستند که چنان به فرزندشان اتیکت می‌زنند که او را از حیز انتفاع ساقط می‌کنند. مثلاً به او می‌گویند: «تو هیچی نمیشی»، «تو شلخته‌ای» و ...

- «اتیکت زدن» یعنی به گونه‌ای بین آن آدم و صفت بد رابطه برقرار می‌کنیم که اگر بخواهد هم نتواند از آن جدا شود.

- هرکسی به دیگری اتیکت بزند، نمی‌میرد مگر اینکه همان اتیکت را به او بزنند.

- آدم‌ها خودشان هم به خودشان اتیکت می‌زنند مثلاً اگر نماز صبحشان قضاء شود، به خودشان می‌گویند: «تو آدم نمی‌شوی و اصلاً به درد معنویت نمی‌خوری».

- نکته مهم: وقتی می‌بینیم که کسی یا کسانی ایرادی را دارند، ما وظیفه داریم از آن ایراد براءت جوییم و حتی با او مراوده نداشته باشیم اما حق همز و لمز کردن و اتیکت زدن نداریم.

- نکته: یک راه عملی برای دوری از همز و لمز کردن این است که هرگاه عیبی را در فردی مشاهده کردیم برایش دعا کنیم.

- بقیه اتفاقاتی که در آیات بعدی سوره آورده است جلوهٔ کامل از همین آیه است. یعنی «حطمه» به این معناست که خرد شده است و می‌شکند در واقع خلودش با شکستن از بین می‌رود. نارالله الموقده، انگار همز و لمز کننده با خود خدا جنگیده است زیرا او احساس خلود کرده است در مقابل خدا که خلود برای اوست لذا عظمت آتشش از طرفی دیگر شعله می‌کشد. «التی تطلع علی الافنده» یعنی آتش از قلب خودت شروع شد. یعنی ما آتش را از بیرون به جان او نینداختیم و او خودش بود که با این طرز فکرش زیر پای خودش را خالی کرد. این محرومیت از قلب خودش آغاز شد. «انها علیهم موصده فی عمد ممده»، یعنی همان‌طور که با این اتیکت زدن چیزی را به آن آدم می‌چسباند و او هرکاری می‌کند نمی‌تواند تا آخر عمر از این اتیکتی که به او چسبیده است رها شود، خودش نیز تا آخر عمر نمی‌تواند از این آتش برافروخته فرار کند.

- نکته مهم: نفس لوامه هیچ‌گاه همز و لمز نمی‌کند و به همین علت هیچ‌گاه نفس لوامه به ما نمی‌گوید که آدم بیخودی هستی، بلکه می‌گوید: آیا این کاری که کردی در شأن تو بود؟

- عیب‌ها عارضی هستند و با توبه برطرف می‌شوند.

- نکته مهم: می‌توان گفت در مسئله همز و لمز، مؤمنین سه دسته هستند:

۱- کسانی که در مقابل همز و لمز دیگران نمی‌شکنند.

۲- کسانی که نه تنها نمی‌شکنند خودشان نیز دیگران را همز و لمز نمی‌کنند.

۳- کسانی که نه تنها نمی‌شکنند و خودشان نیز دیگران را همز و لمز نمی‌کنند بلکه نگران همز و لمز کننده‌ها هستند که چگونه آنها را از آتش نجات دهند (مانند رسول الله (ص)). این نوع رفتار مشی و مدل زندگی پیامبر (ص) است.

- دسته سوم نه تنها عیب نمی‌بینند بلکه برای او استغفار می‌کنند یعنی به جای عیب او می‌اندیشند که چگونه می‌توانند توانمندی قرار دهند.

توجه مهم:

✓ اگر کسی عیب ببیند اما عیب او را ببخشد و نبیند (عفو)

✓ اگر کسی عیب ببیند اما عیب او را تحت الشعاع قوت‌هایش قرار می‌دهد (صَفْح)

✓ اگر کسی عیب ببیند ولی عیب‌ها را به نقاط قوت افراد تبدیل کند (غفران)

- دعا کردن برای ۴۰ مؤمن در نماز شب یعنی اگر نقطه ضعفی از یک نفر می‌بینی فکر کنی که چگونه آن را به نقطه قوت تبدیل کنی؟

- دو نکته طهارتی از سوره مبارکه همزه:

۱- هرکسی نقاط قوت خود را لیست کند و بداند که از این نقاط قوت است که دارد ضربه می‌خورد زیرا در این نقاط قوت احساس خلود دارد.

۲- اگر در کسی نقطه ضعفی دیدید بدانید که نقطه قوتش همان‌هاست و ما وظیفه داریم این نقاط قوت را در او فعال کنیم.

- قاعده عالم این است که هرکسی بشکند، پیامبر (ص) دستش را می‌گیرد، لذا آدم‌هایی که شکسته شده‌اند به اینکه پیامبر (ص) دستشان را بگیرد بسیار نزدیک هستند.

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد الله رب العالمين